

بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان

دکتر علیرضا کلدی^۱، پروانه سلحشوری^۲

چکیده

توانمندسازی زنان و نقش تعیین کننده آن در توسعه پایدار از جمله موضوعاتی است که در حال حاضر از نظر تئوری و کاربرد به آن توجه می‌شود. تحقیق حاضر به تأثیر حمایت اجتماعی در توانمندی زنان پرداخته است. توانمندسازی زنان شامل ابعاد توانمندسازی روانشناختی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندی بر حسب عاملیت و توانمندسازی جسمی بوده است. حمایت اجتماعی با ابعاد حمایت عاطفی، حمایت خود ارزشمندی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه‌های اجتماعی سنجیده شده است. چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه ساختاریابی گیدنز، نظریات توانمندسازی، نظریه حمایت اجتماعی ساراسون و نظریه نیازهای اساسی مازلو شکل گرفته است. روش تحقیق بصورت پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل زنان شهر تهران و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه شده است. نمونه‌گیری بصورت خوشه‌ای بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روانشناختی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی جسمی و توانمندسازی کل تأثیر داشته است. نتایج حاکی از آن است که ابعاد حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه اجتماعی با ضرایب بتای ۰/۳۷ و ۰/۳۱ قابلیت تبیین متغیر وابسته را دارا هستند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان، حمایت عاطفی، حمایت خود ارزشمندی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه‌های اجتماعی.

^۱ استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات p.salahshouri@yahoo.com

مقدمه

توانمندسازی زنان از جمله مولفه‌های مهم در توسعه پایدار است. زنان قربانیان اصلی در مواردی چون فقر، خشونت، عدم برخورداری از تغذیه و بهداشت مناسب هستند، از این رو توجه به بهبود موقعیت زنان نفع همگانی را در بر دارد. مطالعات در حوزه توانمندسازی زنان بطور گسترده انجام می‌شود. در این مورد مجامع بین‌المللی در مورد این موضوع دست به تحقیقات گسترده‌ای زده‌اند که می‌توان به مطالعات انجام شده توسط سازمان ملل و بانک جهانی اشاره کرد. از طرف دیگر بیشتر کشورها نیز دریافته‌اند که بدون توانمندی زنان توسعه پایدار محقق نخواهد شد. پرورش فرزندان، اداره امور منزل، حفظ محیط زیست، بهره‌وری صحیح از منابع، صرفه‌جویی در انرژی مباحثی هستند که زنان بطور مستقیم با آنان مرتبط هستند، پس توانمند بودن و توانمند ساختن زنان به جامعه در رسیدن به اهداف توسعه کمک خواهد کرد و از طرف دیگر به ترقی و تعالی نیمه از جامعه نیز منجر می‌شود.

از آنجائی که توانمندی زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی تک علتی نیستند، توانمند شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد. از طرفی عواملی درونی چون وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده بر توانمندی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از طرف دیگر ساختارهای موجود اجتماعی در این مورد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. یکی از عواملی که می‌تواند در توانمندی افراد نقش داشته باشد، تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندی آنان است. از این رو در این مطالعه به تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان پرداخته شده است.

در تحقیقی که توسط محمود کتابی و همکاران (۱۳۸۲) بر روی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان صورت گرفت، نشان داده شده است که افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی در افزایش توانمندی زنان نقش موثر دارد. از میان این متغیرها، افزایش سطح تحصیلات بیشترین تاثیر مستقیم و سایر متغیرها تاثیر غیر مستقیم در توانمندسازی دارند. زنان دارای تحصیلات بالا از نظر بینه مالی و حق مالکیت در سطح بالاتری قرار دارند. تحقیق "مشارکت، راهکار اصلی توانمندسازی زنان" به این امر توجه کرده است که زنان به‌عنوان عامل مؤثر در امور مختلف کشاورزی و اقتصادی و اجتماعی و از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز در جامعه بیشترین سهم را دارند، به گونه‌ای که بدون کمک و مشارکت آنان، رسیدن به توسعه اقتصادی امری ناممکن است. مولف معتقد است، در طراحی راهبردهای توانمندسازی زنان باید به مواردی از جمله تعیین چگونگی استفاده زنان از قدرت، تعیین نحوه مشارکت زنان در قدرت، تأکید بر عدم استفاده زنان از قدرت برای سلطه‌گری و تأکید بر استفاده زنان از قدرت برای افزایش برابری و استقلال توجه کرد (شهبازی، ۱۳۸۳). در تحقیقی دیگر بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه وجود داشته است (خسروی و ناهیدپور، ۱۳۹۱). در تحقیق دیگری بین حمایت اجتماعی و همسر آزاری نتایج بدست آمده نشان می‌دهد در مقیاس حمایت اجتماعی و زیر مقیاس‌های آن و نمره کل استرس ادراک شده و در متغیر همسر آزاری و زیر مقیاس‌های آن (جسمانی، عاطفی، جنسی) بین دو گروه همسر معتاد و زنان دارای همسر غیر معتاد تفاوت معنادار وجود دارد ($p < 0.01$). میزان حمایت اجتماعی، استرس ادراک شده و میزان همسر آزاری در زنان دارای همسر معتاد و زنان دارای همسر غیر معتاد متفاوت می‌باشد (ستوده ناوردی، زینعلی، و خستگان ۱۳۹۱). در تحقیق دیگر به نقش حمایت اجتماعی و تعرضات در خانواده نتایج نشان می‌دهد، متغیر حمایت اجتماعی در خانواده اثر مستقیم چندانی بر تعارض خانواده با کار ندارد اما از طریق احساس از گرانباری نقش خانوادگی

و ابهام نقش خانوادگی تاثیر کاهنده بر تعارض خانواده با کار دارد (نبوی، و شهریاری، ۱۳۹۱). در تحقیقات دیگر نیز به نقش حمایت اجتماعی در خودکارآمدی، باور به اثربخشی درمان (رحیمیان بوگر و همکاران، ۱۳۹۰)، نقش حمایت اجتماعی و سازگاری در دانشگاه (زکی، ۱۳۸۹) اشاره شده است. همچنین در تحقیق دیگری میزان حمایت خانواده و حمایت در محل کار با تعارضات نقش رابطه داشته و حمایت اجتماعی باعث کاهش تعارضات شده است (گروسی و آدینه زاد، ۱۳۸۹). حمایت اجتماعی در برخی از افراد موجب بهبود وضعیت آنها شده است در صورتی که شواهدی نیز موجود است که نشان می‌دهد وجود شبکه‌های اجتماعی در برخی موارد ضررشان بیشتر از نفعشان بوده است. گودمن و همکارانش توانمندسازی را در سه سطح بررسی کرده‌اند (Goodman et al, 2007).

چارچوب نظری تحقیق

در انتخاب چارچوب نظری تحقیق از نظریه ساختاریابی گیدنز، نظریه توانمندسازی زنان، نظریه نیازهای اساسی مازلو و نظریه حمایت اجتماعی ساراسون استفاده شده است.

نظریه ساختاریابی گیدنز: در نظریه گیدنز، عاملیت و ساختار، برای کوچکترین مساله مانند ذهنیت فرد تا نظام‌های جهانی قابل کار بست است (پیرسون، ۱۳۸۴:۱۳۵). در نظریه ساختاری شدن، حیطة اصلی مطالعه علم اجتماعی نه تجربه فرد کنشگر و نه وجود هیچ شکلی از کلیت اجتماعی است، بلکه اعمال اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته‌اند. چارچوب تفکرات گیدنز بر حسب مسائل جامعه‌شناختی است. همین شالوده جامعه‌شناختی او را از سایر نظریه‌پردازان اروپایی که سعی دارند مسائل فلسفی را به وسیله ابزارهای جامعه‌شناختی حل کنند، متمایز می‌گرداند (کوهن، ۱۳۷۹:۴۲۴). گیدنز ساختار را برحسب قواعد و منابع تعریف می‌کند (کرایب، ۱۳۸۸:۱۴۳). او معتقد است جامعه‌شناسی فقط با در نظر گرفتن کردارهای اجتماعی به عنوان موضوع مطالعه می‌تواند بر دوگانگی سنتی کنش و ساختار فائق آید. این دوگانگی در واقع دو وجهی بودن است: یک «چیز» یا یک موضوع مورد مطالعه با دو وجه وجود دارد، بر اساس نظریه ی ساختاربندی، قلمرو پژوهش اساسی علوم اجتماعی نه تجربه ی کنشگر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی، بلکه کردارهای اجتماعی سامان یافته در زمان و مکان است (همان، ۱۴۴-۱۴۵). قواعد از نظر گیدنز در جمع و در ارتباط با اجتماع معنی می‌یابند. این قواعد را نمی‌توان جدا از منابع اجتماعی مفهوم‌سازی کرد. قواعد متضمن رویه‌های ارزشمند تعامل اجتماعی است قواعد از یک سو به شکل‌گیری معنا مربوط است و از سویی دیگر منوط به تایید شیوه‌های رفتار است (Giddens, 1984:16).

منابع، تسهیلاتی هستند که کنشگران جهت انجام امور از آنها استفاده میکنند. گیدنز منابع را شامل چیزهای می‌داند که قدرت را بوجود می‌آورند. وقتی کنشگران تعامل می‌کنند از منابع استفاده می‌کنند، و وقتی از منابع استفاده می‌کنند، کنش دیگران را شکل می‌دهند (Turner, 2003:477)

فرایند توانمندسازی، بر جنبه مهم پویایی روند توانمندسازی تاکید دارد: پتانسیل توانمندسازی نه تنها از لحاظ منابع و توانایی‌های شخصی مردم، بلکه از نظر قوانین و مقررات ساختار اجتماعی وجود دارد. ارتباط ساخته شده توسط گیدنز میان ساختار اجتماعی و عاملان انسانی تبیین نظری این مورد که توانمندسازی اجتماعات و توانمندسازی فردی که همبخشی دارند را تقویت می‌کند (Giddens, 1984).

از این رو، توانمندسازی ممکن است به یک فرایند دایره ای شکل از تغییرات اجتماعی و فعال سازی توانایی‌ها و منابع مقایسه شود، که در آن عوامل انسانی در نیاز به کنش توانمند همراه با سایر عوامل انسانی عمل می‌کند. ساختار اجتماعی که با استفاده از این فعالیت‌ها بوجود آمده شامل حفظ و باز تولید عناصر از ساختار اجتماعی موجود، و اخلاقی یک فرایند تحلیل انتقادی اجتماعی است. در حوزه ارتباطی، مردمی که توانمند شده‌اند یاد می‌گیرند که چگونه وضعیت خود را به گونه‌ای متفاوت درک کنند، و در نتیجه تشکیل یک ساختار نمادینی که در آن سهم هستند را می‌دهد و به آنها معنای اجتماعی جدیدی از وضعیتشان و روابط آنها با دیگران را می‌بخشد. در حوزه هنجاری، مردم درک هنجارهای نو اجتماعی خاصی که بر آنها تأثیری گذارد را می‌آموزند. توانمندسازی ممکن است از نظر توانایی افراد در تاثیر گذاری برای تغییر در نظر گرفته شود، اما نمی‌توان توانایی فردی که در فعالیت اختصاصی‌اش بروز یافته است را بدون ارتباط با ساختارهای موجود کنترلی که این شخص از طریق رفتارش تقویت کرده، تفسیر کرده و تغییر داده درک کرد. کارایی فردی از طریق ساختارهای کنترلی که در سیستم‌های اجتماعی جای دارند استحکام می‌یابد (Clegg, 1989). از این رو فرایند توانمندسازی به آنچه از قبل در جامعه وجود داشته بستگی دارد، اما موفقیت این فرایند به اینکه چه و به چه میزان تغییرات در سطح فردی، در سطح اجتماعات و در نظام اجتماعی به این فرایند مرتبط است به وقوع پیوسته است تعریف شده است. توانمندسازی اجتماعات بستگی به کسب توانایی در دسترسی به منابع ضروری دارد، که می‌تواند به دو نوع تقسیم شود: منابع تخصیصی و منابع معتبر. منابع تخصیصی منابع مادی هستند مانند مواد خام، فن آوری‌ها، و تولیداتی که از طریق ترکیبی از این آمده‌اند. منابع معتبر، منابع سازمانی هستند که می‌تواند به سه نوع تقسیم شوند: ۱. سازمان دادن زمان فضای اجتماعی، به عنوان مثال، ایجاد مسیرهای زندگی روزمره. ۲. سازمان دادن انسانها در ارتباط متقابل. ۳. سازمان فرصتهای زندگی: شکل دادن فرصتهای خود-توانمندی و خود-بیانی (Giddens, 1984).

نظریه‌های توانمندسازی زنان

سارا لانگه، یکی از نظریه پردازان در امور زنان، که معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌باشد، طی کرد. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می‌شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش‌های مهارت‌زا که استخدام تولید را ممکن می‌سازد و حتی محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و لذا قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند. مشارکت آن‌ها باید با تعداد و شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد. در نهایت، برابری در کنترل به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است (لانگه، ۱۸، ۱۳۷۲-۳۲).

آمارتیاسن در کتاب توسعه به مثابه آزادی فصلی را اختصاص به زنان داده است این فصل به نام نقش فاعلی زنان و تحولات اجتماعی، به اهمیت بهداشت و سلامتی زنان با نقش فاعلی آنان اشاره می‌کند و تاثیر این نقش را در حوزه‌هایی چون میزان فاعلیت زنان بر باروری و تقویت بقای کودکان را بررسی می‌کند. سن این دو حوزه را نه تنها در جهت توانمندی زنان بلکه تاثیر آن را بر توسعه جوامع نیز مهم می‌شمارد. سن نقش فاعلی زنان را از فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی تا مشارکتهای سیاسی قابل تعمیم می‌داند. وی فراگیری گسترده فاعلیت زنان را یکی از بخش‌های فراموش شده

مطالعات توسعه میداند. سن اعتقاد بر این دارد که در عصر حاضر هیچ چیزی مهمتر از درک کافی از مشارکتهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان نیست، در واقع او توجه به این موضوع را بررسی جنبه مهم توسعه به مثابه آزادی میداند (سن، ۱۳۸۵، ۲۲۹). مالهاترا توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می کند که به وسیله آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند می شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می گردد؛ دفاع می کنند (Malhatra, schuler & 2002:5) Boender, همین طور، آگبومه توانمندسازی را به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می داند که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آنها می شود. این فرایند موجب افزایش عزت نفس زنان می گردد به این معنا که موجب بهبود تصویری و تصویری می شود که زنان از وضعیت خودشان دارند (Ugbomeh, 2001: 239).

با توجه به تعاریف و اجزاء توانمندسازی زنان، مالهاترا، شولر و بوندر از جمله نظریه پردازانی هستند که بطور اصولی توانمندسازی را یک فرایند محسوب می کنند، یعنی، معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به موقعیت دیگر یعنی برابری جنسیتی می دانند (Malhatra, Schuler & Boender, 2002:7). این فرایند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می شود و تا سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت های گروهی و جمعی)، سیاسی (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیم گیری های اقتصادی) و نهادی (به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را در بر می گیرد. نایلا کبیر از جمله زنان محقق است که در زمینه توانمندی زنان تحقیقات گسترده ای را انجام داده است کبیر در این مورد معتقد است که زنان در دنیای کنونی توسط هنجارها، ارزشها، باورها و رسوم متفاوت از مردان متمایز شده اند که بصورت فرهنگ رایج در طی اعصار عمل کرده است (Kabeer, 2000: 22).

نظریه های حمایت اجتماعی

در مورد فرضیه تاثیر حمایت اجتماعی در توانمندسازی علاوه بر نظریات گفته شده از نظریه ساراسون نیز استفاده می شود در این نظریه ابعاد گوناگون حمایت اجتماعی مشخص شده اند که در تعریف عملیاتی تحقیق برای شاخص سازی از ابعاد گفته شده استفاده شده است. از آنجا که به این نظریه در مبانی نظری اشاره نشده در اینجا بطور خلاصه به این نظریه اشاره می شود.

ساراسون و دیگران حمایت اجتماعی را دارای ابعاد پنج گانه می دانند. (Sarason et al., 1993 Sarason et al., 1983):

- ۱- حمایت عاطفی: داشتن مهارت لازم در کمک گرفتن از دیگران هنگام برخورد با دشواری ها است.
- ۲- حمایت شبکه اجتماعی: به معنای دسترسی به عضویت در شبکه های اجتماعی است.
- ۳- حمایت خودارزشمندی: اینکه دیگران در دشواری ها یا فشارهای روانی به وی بفهمانند که او فردی ارزشمند است و می تواند با به کار گیری توانایی های ویژه خود بر دشواری ها چیره شود.
- ۴- حمایت ابزاری: دسترسی داشتن به منابع مالی و خدماتی در سختیها و دشواری ها گفته می شود.
- ۵- حمایت اطلاعاتی: می تواند اطلاعات مورد نیاز خود را برای درک موقعیت به دست آورد.

علاوه بر این از نظریه نیازهای انسانی مازلو برای تبیین فرضیه‌های مرتبط با امنیت اجتماعی و حمایت اجتماعی استفاده خواهد شد. مازلو، به عنوان یک روانشناس، معتقد است که پویایی و بی‌پایانی، تابع قانونمندی ویژه‌ای است. وی نیازهای انسانی را نوع ویژه‌ای از غرایز می‌داند که در حیوانات یافت نمی‌شوند. بیشتر روانشناسان درباره نیازها سخن گفته‌اند، اما نظریه مازلو درباره نیازها و سلسله مراتب آن‌ها در انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس نظریه مازلو نیازهای انسانی به ۵ دسته تقسیم می‌شود (مازلو، ۱۳۶۷):

۱- نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی

۲- نیاز به امنیت و اطمینان

۳- نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران

۴- نیازهای من یا صیانت ذات، نیاز به احترام

۵- نیازهای خودیابی و تحقق خویش

بر مبنای این چارچوب نیاز به امنیت (اشتغال، رفاه، سلامت) به عنوان یکی از عوامل اجتماعی موثر بر میزان رضایت از زندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس این نظریه که نیازهای اجتماعی احساس تعلق به دیگران و نیاز به احترام و نیاز به تحقق خویش در چارچوب حمایت اجتماعی قابل بررسی می‌باشند.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه کلان: حمایت اجتماعی بر توانمندسازی کل زنان تاثیر دارد.

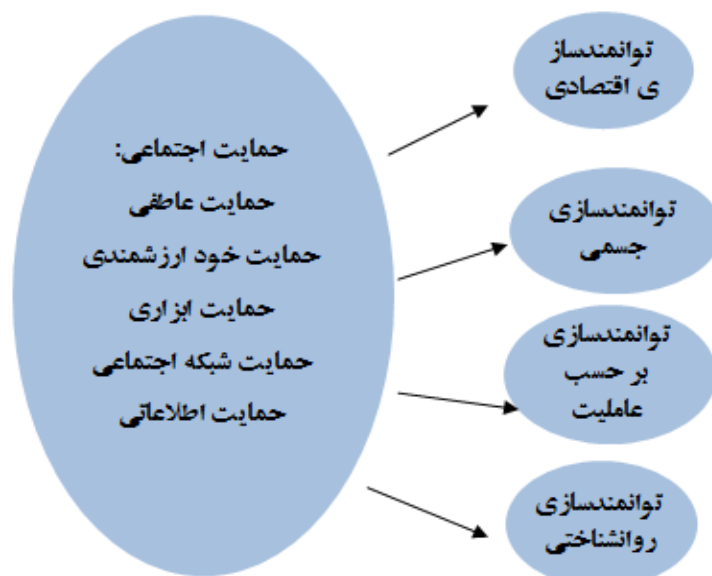
فرضیه‌های خرد

حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روانشناختی زنان تاثیر دارد.

حمایت اجتماعی بر توانمندسازی جسمی زنان تاثیر دارد.

حمایت اجتماعی بر توانمندسازی بر حسب عاملیت زنان تاثیر دارد.

حمایت اجتماعی بر توانمندسازی اقتصادی زنان تاثیر دارد.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

روش تحقیق

روش تحقیق به صورت کمی بوده است و از روش پیمایشی بدین منظور استفاده شده است. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جامعه آماری شامل زنان سطح تهران و با نمونه‌گیری خوشه‌ای اطلاعات گردآوری شده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر محاسبه شده است.

تعریف مفهومی حمایت اجتماعی

کوب حمایت اجتماعی را به میزان برخورداری از محبت، مساعدت و توجه اعضاء خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف کرده است (کوب به نقل از صدق‌پور و همکاران، ۱۳۸۹).

حمایت اجتماعی مکانیسمی تر ارتباطات میان‌فردی است که افراد را از تاثیرات تنیدگی منفی محافظت می‌کند (Decker, 2007). حمایت اجتماعی را می‌توان به هر گونه محرکی که به پیشرفت اهداف فرد حمایت شده کمک کند دانست (دیمتسو، ۱۳۷۸). حمایت اجتماعی به میزان برخورداری از محبت، همراهی و توجه به اعضاء خانواده، دوستان و سایر افراد تعریف شده است (سارافینو، به نقل از علی‌پور، ۱۳۸۵).

تعریف عملیاتی شاخص‌های تشکیل دهنده حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی به این مساله می‌پردازد که فرد در زندگی خود و هنگام مشکلات از همفکری و مساعدت‌های اطرافیان خود (خانواده و دوستان و...) بهره‌مند شود و بتواند با آنها احساس نزدیکی کند. در این تحقیق حمایت در برگیرنده کارکردهای حمایتی یعنی شکل‌های متفاوت کمک و یاری است که فرد در صورت داشتن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منابع ساختاری حمایت اجتماعی مانند پیوند قوی، شبکه‌های اجتماعی و عضویت گروهی می‌تواند از انواع مساعدت‌ها و کمک‌های عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی برخوردار شود.

حمایت عاطفی کمک گرفتن از دیگران هنگام برخورد با دشواری‌ها است. با بررسی این شاخص به تاثیرگذاری حمایت عاطفی در توانمندی زنان توجه می‌شود.

حمایت خودارزشمندی بدین معنی است که دیگران در دشواری‌ها یا فشارهای روانی به وی بفهمانند که او فردی ارزشمند است و می‌تواند با به کارگیری توانایی‌های ویژه خود بر دشواری‌ها چیره شود.

حمایت ابزاری دسترسی داشتن به منابع مالی و خدماتی در سختی‌ها و دشواری‌ها گفته می‌شود که فرد از خانواده و اطرافیان خود دریافت می‌کند.

حمایت اطلاعاتی به این امر توجه می‌کند که تا چه اندازه فرد با توجه به حمایت‌هایی که از اطرافیان دریافت می‌کند می‌تواند اطلاعات مورد نیاز خود را برای رفع مشکلات دریافت کند.

حمایت شبکه اجتماعی این نکته را در بر می‌گیرد که تا چه اندازه شبکه‌هایی که فرد در آن چه بطور رسمی و یا غیر رسمی عضویت دارد، در هنگام نیاز فرد را مساعدت و یاری می‌کنند.

یافته‌های تحقیق

حمایت اجتماعی و میزان آن تابع روابط اجتماعی است فرد در قالب پیوند با دیگران یا عضویت در گروه‌ها و اجتماعات دارد. بستری که این روابط را برای فرد فراهم می‌کند جامعه است. جامعه زمینه ساز و بستر شکل‌گیری روابطی است که فرد می‌تواند داشته باشد. لذا برای داشتن رابطه می‌باید با جامعه ارتباط برقرار کرد، یکی از طریق

روابط اجتماعی با دیگران و دیگری از طریق عضویت اجتماعی در اجتماعات، که این دو نحوه ارتباط با جامعه، دامنه روابط اجتماعی فرد را برای بدست آوردن حمایت اجتماعی تعیین می کند. کاهش این دامنه، کاهش میزان حمایت اجتماعی را به دنبال دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۴۵-۶۳).

در این تحقیق حمایت در برگیرنده کارکردهای حمایتی یعنی شکل های متفاوت کمک و یاری است که فرد در صورت داشتن روابط اجتماعی در سطوح مختلف منابع ساختاری حمایت اجتماعی مانند از انواع مساعدت ها و حمایت های عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی، حمایت خود ارزشمندی و حمایت شبکه های اجتماعی را می تواند برخوردار شود.

سه گویه اول در بر گیرنده حمایت عاطفی است. در پرسش اول که در باره این بوده است که خانواده و دوستان تا چه اندازه در برای شکل گیری امید در فرد تلاش میکنند. پاسخها حکایت از آن دارد که ۶۱ درصد پاسخگویان از حمایت عاطفی زیادی در این مورد برخوردار بوده اند و ۲۶ درصد ابراز داشته اند که گاهی اوقات از این حمایت برخوردار بوده اند و در کل ۱۳ درصد پاسخگویان از حمایت کمی برخوردار بوده اند.

پرسش دوم حاکی از این نکته است که در زمان هایی که فرد نیاز به حمایت عاطفی دارد تا از ناراحتی و اندوه رهایی یابد تا چه اندازه گروه ها و افرادی که وی با آنها در ارتباط است از او حمایت می کنند، در این مورد نیز ۶۰ درصد پاسخگویان از میزان زیادی از حمایت اطرفیان برخوردار بوده اند. حدود ۲۵ درصد پاسخگویان گاهی اوقات و حدود ۱۵ درصد نیز به میزان کمی از حمایت اطرفیان برخوردار بوده اند.

پرسش سوم منوط به این امر است که در زندگی فرد کسانی حضور داشته باشند که این حضور برای فرد آرامش به همراه بیاورد. در این مورد قریب ۶۷ درصد پاسخگویان به میزان زیادی از این همراهی برخوردار بوده و بیش از ۲۰ درصد پاسخگویان تا حدی در زندگی خود با افرادی مواجه بوده اند که موجب آرامش خاطر آنها را فراهم می ساخته اند و حدود ۱۳ درصد نیز از حمایت عاطفی کمی در این مورد برخوردار بوده اند

بعد دیگر مورد بررسی حمایت ابزاری است. حمایت ابزاری به معنی برخورداری از حمایت شبکه های اجتماعی موجود در مواقعی است که فرد به نیازهای مادی روبرو می شود. در این قسمت سه گویه در نظر گرفته شده است که در پرسش اول به این مورد اشاره شده است که فرد در مواقع بحرانی تا چه اندازه روی کمک خانواده حساب می کند در این مورد ۶۷ درصد پاسخگویان به میزان زیادی در مواقع بحرانی روی کمک خانواده حساب می کنند. بیش از ۲۰ درصد تا حدودی و نزدیک ۱۲ درصد به میزان کمی از کمک خانواده برخوردار می شوند. پرسش دوم در مورد این است که تا چه اندازه در صورت نیاز مادی روی کمک خانواده و دوستان حساب می کنید، در این مورد نزدیک ۵۲ درصد از حمایت زیادی برخوردارند، ۲۲ درصد نیز تا حدی از این حمایت برخوردار هستند و قریب ۲۵ درصد نیز از انظر حمایت مادی از حمایت کمی برخوردارند. پرسش سوم در این مورد است که در صورتی که برای مدتی به اقامت در خانه کسی نیاز داشته باشید تا چه اندازه کسانی هستند که از شما به استقبال کنند. در این مورد بیش از ۶۷ درصد پاسخگویان از حمایت زیادی برخوردار بوده اند و ۱۸ درصد پاسخگویان تا حدی و بیش از ۱۲ درصد پاسخگویان نیز به میزان کمی از افرادی که با آنها در ارتباط هستند برای مدتی اقامت در نزد آنان استقبال کرده اند. در مجموع در این بعد شاهد اختلاف در آرا پاسخگویان هنگامی که به حمایت مادی از نوع پرداخت کمک مالی هستند روبرو می شویم که خود ممکن است

از عوامل دیگری نشأت گرفته باشد چون عدم توانایی مالی اطرافیان، غرور فرد برای درخواست مادی، اطلاع از اینکه حتی با وجود برخورداری مالی این روزها مردم کمتر به هم اعتماد دارند و عوامل دیگر. بعد دیگر حمایت خودارزشمندی است، بدین مفهوم که تا چه حد کسانی که فرد با آنها در ارتباط است با او به گونه ای رفتار میکنند که وی خود را فردی ارزشمند قلمداد کند و بداند که فرد مفیدی است.

نخستین گویه مربوط به این پرسش است که تا چه اندازه کسانی هستند که احساس کنید صفات مثبتی دارید و از بین پاسخگویان بیش از ۶۳ درصد از حمایتی که منجر به این احساس میشود که آنها انسانهای ارزشمندی هستند به میزان زیادی برخوردار بوده‌اند و ۱۸ درصد نسبتاً از این حمایت برخوردار بوده‌اند و بیش از ۱۴ درصد زنان نیز از این حمایت به میزان کمی برخوردار بوده‌اند.

پرسش دوم حمایت خودارزشمندی به این سوال مربوط است که تا چه اندازه فرد از جانب اطرافیان مورد تحسین قرار می‌گیرد در این مورد بیش از ۷۶ درصد اذعان داشته‌اند که از این حمایت به میزان زیادی برخوردار بوده‌اند و ۱۹ درصد نیز تا حدی از این حمایت برخوردار بوده‌اند در حالیکه حدود ۴ درصد ابراز داشته‌اند که به میزان کمی از جانب اطرافیان تحسین می‌شوند.

گویه های سوم و چهارم در مورد حمایت خودارزشمندی که شامل پرسشهایی در مورد اینکه تا چه حد در زندگی فرد افرادی وجود داشته‌اند که او را مهم تلقی کنند. از میان پاسخگویان به این پرسش ۷۲ درصد به میزان زیادی از این حمایت برخوردار بوده‌اند و ۲۲ درصد نیز نسبتاً از این حمایت برخوردار بوده‌اند و ۱۰ درصد نیز از حمایت کمی برخوردار بوده‌اند.

آخرین پرسش در مورد حمایت خود ارزشمندی این پرسش است که تا چه اندازه دوستان و خانواده از تصمیماتی که می‌گیرید حمایت می‌کنند. بیش از ۶۷ درصد پاسخگویان ابراز داشته‌اند که به میزان زیادی از حمایت خانواده و دوستان در هنگام تصمیم‌گیری برخوردار بوده‌اند. حدود ۲۶ درصد تا حدی و ۷ درصد هم به میزان کمی از حمایت خود ارزشمندی برخوردار بوده‌اند. در مجموع پاسخگویان در این بعد از حمایت اجتماعی به میزان زیادی از حمایت خودارزشمندی برخوردار بوده‌اند و به نسبت حمایت ابزاری این حمایت بیشتر بوده است.

بعد دیگری که در حمایت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است، حمایت اطلاعاتی است بدین معنی که در مواقع ضروری تا چه حد فرد از طریق شبکه های اجتماعی موجود خود قادر به دریافت اطلاعات مورد نیاز است. در این مورد پرسش اول بدین گونه مطرح شده است که تا چه اندازه کسانی را داشته‌اید که در موقعیت‌های ضروری شما را راهنمایی کنند. ۶۳ درصد پاسخگویان ابراز داشته‌اند که از حمایت اطلاعاتی زیادی برخوردار بوده‌اند و توانسته‌اند در موقع ضروری از این نظر راهنمایی لازم را داشته باشند. ۲۴ درصد پاسخگویان تا حدی از راهنمایی های لازم برخوردار شده‌اند و ۱۳ درصد نیز به میزان کمی توانسته‌اند به هنگام نیاز به کسب راهنمایی از این راهنمایی برخوردار شوند.

پرسش بعد در مورد حمایت اطلاعاتی چنین مطرح شده است که تا چه اندازه کسانی بوده‌اند که برای جلوگیری از اشتباهات احتمالی به شما کمک کنند، در این مورد ۵۷ درصد پاسخگویان به میزان زیادی از این حمایت برخوردار بوده‌اند در حالیکه قریب ۲۵ درصد پاسخگویان تا حدی و بیش از ۱۵ درصد نیز کمی در جلوگیری از اشتباهات احتمالی مورد راهنمایی قرار گرفته‌اند.

آخرین گویه در مورد حمایت اطلاعاتی به این پرسش مربوط است که وقتی در موقعیت دشواری قرار دارید چقدر با همفکری می توانید مشکلات را از بین ببرید، در این بین نزدیک ۶۸ درصد پاسخگویان از همفکری زیاد، ۱۹ درصد نسبتاً و ۱۱ درصد نیز از میزان همفکری کمی برخوردار بوده‌اند.

در مجموع از نظر حمایت اطلاعاتی بیشتر پاسخگویان از حمایت اطلاعاتی زیادی برخوردار بوده‌اند. آخرین بعد از حمایت اجتماعی، حمایت از طریق شبکه های اجتماعی مرتبط با فرد است. در اینجا چهار گویه مطرح شده است که برای گویه نخست این پرسش مطرح شده است که در بین دوستان و همکارانتان تا چه حد کسانی هستند که بتوان بر آنها تکیه کرد، در این مورد نزدیک ۳۸ درصد این میزان را زیاد ارزیابی کرده‌اند در صورتی که بیش از ۳۰ درصد پاسخگویان تا حدی و حدود ۲۸ درصد پاسخگویان در این مورد از حمایت کمی برخوردار بوده‌اند. پرسش بعدی این سوال را مطرح می کند که چقدر در صورت نیاز مراکزی که در آن عضو هستید، شما را حمایت مالی می کنند. در این مورد ۱۱ درصد پاسخگویان ابراز داشته‌اند که از حمایت مالی زیادی برخوردار خواهند بود و حدود ۱۸ درصد تا حدی امکان دریافت کمک مادی از جانب مراکزی که در آن حضور دارند را مطرح کرده‌اند و نزدیک به ۷۰ درصد پاسخگویان این میزان را کم ارزیابی کرده‌اند. پرسش دیگر در حمایت شبکه اجتماعی این سوال را مطرح می کند که چقدر با فامیل و دوستان مشکلات خود را در میان می گذارید. در این مورد نزدیک ۱۶ درصد عنوان کرده‌اند که به میزان زیادی مشکلات خود را با دوستان و یا فامیل خود در میان می گذارند. بیش از ۳۰ درصد پاسخگویان تا حدی مشکلات خود را مطرح می‌سازند و بیش از ۶۸ درصد نیز در حد کمی مشکلات خود را با دوستان و فامیل در میان می‌گذارند. پرسش آخر حمایت شبکه های اجتماعی در مورد همسایه گان است و بدین گونه مطرح شده است تاچه اندازه در صورت هرگونه نیازی می‌توانید روی کمک همسایه‌ها حساب کنید. بیش از ۱۱ درصد پاسخگویان ابراز داشته‌اند که میزان زیادی از حمایت همسایگان برخوردار هستند و حدود ۱۶ درصد نیز این حمایت را تا حدی عنوان داشته‌اند و بیش از ۷۲ درصد نیز این میزان را خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

با بررسی پنج بعد حمایت اجتماعی مشخص می‌شود که کمترین میزان حمایت مربوط به حمایت های شبکه های اجتماعی است که با سایر ابعاد حمایتی که بیشتر از جانب خانواده اعمال می‌شدند تفاوت فاحش دارد. این بعد مواردی چند می‌تواند مربوط باشد. به مورد دیگری که می‌توان اشاره کرد عدم برخورداری از حمایت شبکه های اجتماعی خود ناشی از ضعف پیوندها و کمبود اعتماد است که در این مورد می‌توان به این امر اشاره کرد که سرمایه اجتماعی زنان مورد تحقیق و نحوه استفاده از این سرمایه کم بوده است. در اینجا این نکته بسیار قابل اهمیت است که بیشتر نمونه‌های این تحقیق هم زنان با تحصیلات بالا و هم زنان شاغل بوده‌اند که برای آنان سرمایه فرهنگی و اقتصادی لازم جهت ایجاد شبکه های اجتماعی را فراهم می‌ساخته است با این حال شاهد اختلاف فاحش در برخورداری این حمایت نسبت به سایر انواع حمایت‌ها دیده می‌شود. از طرف دیگر بیشترین حمایت از طریق حمایت خود ارزشمندی و حمایت عاطفی وجود داشته است که این ابعاد در توانمندسازی روانشناختی فرد موثر بوده‌اند.

بررسی تاثیر حمايت اجتماعي بر توانمندسازي زنان

جدول ۱: رگرسيون چندمتغيري جهت پيش بيني «عامليت» از طريق «حمايت اجتماعي»

منبع تغييرات	مجموع مجذورات	درجه آزادي	ميانگين مجذورات	میزان F	سطح معنی داری
رگرسيون	۳۳/۱۹۹	۵	۸۶/۳۹	۴/۲۰	۰۰۱/۰
باقیمانده	۶۴/۱۹۶۳	۲۰۷	۴۸/۹		

متغير ملاك	متغيرهاي پيش بيني كننده	ضريب بتا	میزان T	سطح معنی داری
حمايت عاطفي		۰/۱۲	۱/۵۴	۱۲۳/۰
حمايت ابزاري		-۱۵/۰	-۱/۷۳	۰/۰۸۵
عامليت	خودارزشمندی	۱۹/۰	۲/۴۸	۰/۰۱۴
	حمايت اطلاعاتي	۳۱/۰	۳/۱۸	۰/۰۰۲
	حمايت شبکه اجتماعي	۰/۱۰	۰/۱۷	۰/۸۶۲

با توجه به جدول ۱ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می توان مطرح نمود که ارتباط معنی داری بین «حمايت اجتماعي» با «توانمندسازي بر حسب عامليت» در سطح $\alpha=0/01$ مشاهده می شود. ضرایب رگرسيون چندمتغيري با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسيون بدست آمده، نشان می دهد که ارتباط مثبت معنی داری بین «خودارزشمندی» و «حمايت اطلاعاتي» با «عامليت» مشاهده می شود. بدین ترتیب که با افزایش «خودارزشمندی» و «حمايت اطلاعاتي»، «عامليت» نیز افزایش می یابد و با کاهش آنها، «عامليت» نیز کاهش می یابد. حمايت خود ارزشمندی به میزان ۰/۱۹ درصد قابلیت پيش بيني تغييرات توانمندسازي را داشته است. همچنین حمايت اطلاعاتي به میزان ۰/۳۱ درصد قابلیت تبیین و پيش بيني تغييرات در عامليت زنان را داشته است.

جدول ۲: رگرسيون چندمتغيري جهت پيش بيني «توانمندسازي روان شناختي» از طريق «حمايت اجتماعي»

منبع تغييرات	مجموع مجذورات	درجه آزادي	ميانگين مجذورات	میزان F	سطح معنی داری
رگرسيون	۶۰/۲۰۹۲	۵	۵۲/۴۱۸	۱۲/۸۵	۰۰۱/۰
باقیمانده	۵۸/۸۷۵۸	۲۶۹	۵۶/۳۲		

متغير ملاك	متغيرهاي پيش بيني كننده	ضريب بتا	میزان T	سطح معنی داری
حمايت عاطفي		-۰/۰۵	-۰/۷۴	۴۵۸/۰
حمايت ابزاري		۰۵/۰	۰/۷۰	۰/۴۸۱
توانمندسازي روان شناختي	حمايت خودارزشمندی	۳۵/۰	۵/۵۶	۰/۰۰۱
	حمايت اطلاعاتي	۱۶/۰	۱/۹۹	۰/۰۴۷
	حمايت شبکه اجتماعي	-۱۰/۰	-۱/۵۹	۰/۱۱۳

با توجه به جدول ۲ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «حمایت اجتماعی» با «توانمندسازی روان‌شناختی» در سطح $\alpha=0/01$ مشاهده می‌شود. با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، نشان داده شده است که ارتباط مثبت معنی‌داری بین «حمایت خودارزشمندی» با «توانمندسازی روان‌شناختی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت خودارزشمندی»، «توانمندسازی روان‌شناختی» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «توانمندسازی روان‌شناختی» نیز کاهش می‌یابد. در این مورد حمایت خود ارزشمندی ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است. حمایت اطلاعاتی نیز به میزان ۱۶ درصد قابلیت تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته را داشته است

جدول ۳: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «توانمندسازی جسمی» از طریق «حمایت اجتماعی»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۷۶/۲۲۸	۵	۷۵/۴۵	۳/۷۵	۰۰۳/۰
باقیمانده	۸۴/۳۶۳۳	۲۹۸	۱۹/۱۲		

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری
حمایت عاطفی		۰/۰۶	۰/۹۵	۳۳۹/۰
حمایت ابزاری		۱۳/۰	۱/۹۸	۰/۰۵۶
توانمندسازی جسمی	خودارزشمندی	۰/۷/۰	۱/۲۰	۰/۲۳۰
	حمایت اطلاعاتی	۰/۱/۰	۰/۱۹	۰/۸۴۶
	حمایت شبکه اجتماعی	۰/۲/۰	۰/۴۳	۰/۶۶۵

با توجه به جدول ۳ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «حمایت اجتماعی» با «توانمندسازی روان‌شناختی» در سطح $\alpha=0/01$ مشاهده می‌شود. ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، نشان داده شده است که ارتباط مثبت معنی‌داری بین «حمایت ابزاری» با «توانمندسازی جسمی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت ابزاری»، «توانمندسازی جسمی» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «توانمندسازی جسمی» نیز کاهش می‌یابد.

جدول ۴: رگرسيون چندمتغيري جهت پيش بيني «توانمندی اقتصادي» از طريق مؤلفه های «حمايت اجتماعي».

منبع تغييرات	مجموع مجذورات	درجه آزادي	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی داری
رگرسيون	۵۴/۱۸۳	۵	۷۰/۳۶	۳/۳۹	۰۰۷/۰
باقیمانده	۳۰/۱۳۵۲	۱۲۵	۸۱/۱۰		

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بينی کننده	ضریب بتا	میزان T	سطح معنی داری
	حمايت عاطفي	۰/۰۹	۰/۸۷	۳۸۲/۰
	حمايت ابزاري	-۱۸/۰	-۱/۸۲	۰/۰۷۰
توانمندی اقتصادي	خودارزشمندی	۰۹/۰	۱/۰۱	۰/۳۱۰
	حمايت اطلاعاتي	۲۵/۰	۲/۱۷	۰/۰۳۲
	حمايت شبکه اجتماعي	۰۸/۰	۰/۸۹	۰/۳۷۲

با توجه به جدول ۴ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می توان مطرح نمود که ارتباط معنی داری بین مؤلفه های «حمايت اجتماعي» با «توانمندسازي اقتصادي» در سطح $\alpha=۰/۰۱$ مشاهده می شود. به عبارتی دیگر توان پيش بينی «توانمندسازي اقتصادي» از طريق مؤلفه های «حمايت اجتماعي» وجود دارد. در جدول ۴ با توجه به ضرایب رگرسيون چندمتغيري با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسيون نشان داده است که ارتباط مثبت معنی داری بین «حمايت اطلاعاتي» با «توانمندی اقتصادي» مشاهده می شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمايت اطلاعاتي»، «توانمندی اقتصادي» نیز افزایش می یابد و با کاهش آن، «توانمندی اقتصادي» نیز کاهش می یابد. حمايت اطلاعاتي قابليت تبیین ۲۵ درصد تغييرات در توانمندی اقتصادي را داشته است.

جدول ۵: رگرسيون چندمتغيري جهت پيش بينی «توانمندسازي کل» از طريق «حمايت اجتماعي»

منبع تغييرات	مجموع مجذورات	درجه آزادي	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی داری
رگرسيون	۸۴/۳۱۹۳	۵	۷۷/۶۳۸	۴/۷۲	۰۰۱/۰
باقیمانده	۶۴/۱۹۶۱۱	۱۴۵	۲۵/۱۳۵		

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بينی کننده	ضریب بتا	میزان T	سطح معنی داری
	حمايت عاطفي	۰/۰۵	۰/۵۲	۵۹۸/۰
	حمايت ابزاري	-۰۱/۰	-۰/۱۲	۰/۸۹۸
توانمندسازي کل	حمايت خودارزشمندی	۰۵/۰	۰/۶۳	۰/۵۳۰
	حمايت اطلاعاتي	۳۷/۰	۳/۰۱	۰/۰۰۳
	حمايت شبکه اجتماعي	۳۱	۳/۲۰	۰/۰۰۲

با توجه به جدول ۵ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «حمایت اجتماعی» با «توانمندسازی» در سطح $\alpha=0/01$ مشاهده می‌شود. ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست نشان داده است، ارتباط مثبت معنی‌داری بین «حمایت اطلاعاتی» و «حمایت شبکه اجتماعی» با «توانمندسازی کل»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت اطلاعاتی» و «حمایت شبکه اجتماعی»، «توانمندسازی کل» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن‌ها، «توانمندسازی کل» نیز کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

حمایت اجتماعی با پنج بعد در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. ابعاد حمایت اجتماعی شامل حمایت عاطفی، حمایت ابزاری، حمایت خودارزشمندی، حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه اجتماعی است. در بررسی آمار توصیفی پاسخگویان اظهار داشته‌اند که به میزان زیادی از حمایت اجتماعی برخوردار هستند. ارتباط مثبت معنی‌داری بین «خودارزشمندی» با «توانمندسازی روان‌شناختی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «خودارزشمندی»، «توانمندسازی روان‌شناختی» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «توانمندسازی روان‌شناختی» نیز کاهش می‌یابد. ارتباط مثبت معنی‌داری بین «حمایت ابزاری» با «توانمندسازی جسمی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت ابزاری»، «توانمندسازی جسمی» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «توانمندسازی جسمی» نیز کاهش می‌یابد. ارتباط مثبت معنی‌داری بین «حمایت اطلاعاتی» با «توانمندی اقتصادی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت اطلاعاتی»، «توانمندی اقتصادی» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «توانمندی اقتصادی» نیز کاهش می‌یابد. در مورد توانمندی کل ارتباط مثبت معنی‌داری بین «حمایت اطلاعاتی» و «حمایت شبکه اجتماعی» با «توانمندسازی»، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت اطلاعاتی» (۰/۳۷) و «حمایت شبکه اجتماعی» (۰/۳۱)، «توانمندسازی» نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن‌ها، «توانمندسازی» نیز کاهش می‌یابد.

در تحقیقاتی متفاوتی که در ایران انجام شده به نقش حمایت اجتماعی اشاره شده است. در تحقیقی به عدم حمایت دولت از زنان کارآفرین (کلانتری، فمی و سروش‌مهر، ۱۳۸۹) اشاره شده است. در تحقیق دیگری ضعف شبکه‌های حمایتی (سلحشوری، و قریب، ۱۳۹۰) از جمله عواملی شناخته شده که در بررسی‌های آسیب‌شناسی خانواده مورد توجه بوده است. در مطالعه دیگری به بررسی شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان‌های حمایتی پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان از این دارد که اجرای برنامه‌های توانمندسازی نتایج مثبتی را در برداشته است و در ابعاد مختلف توانمندی روان‌شناختی زنان نیز بهبود حاصل شده است (کیمیائی، ۱۳۹۰). نبود یا ضعف شبکه‌های حمایت اجتماعی (قاضی‌نژاد، عباسیان، ۱۳۹۰). در بروز آسیب‌ها در خانواده موثر بوده است. گودمن و همکاران در این مورد اشاره به این نکته دارند که توانمندسازی جمعی مقبولیت، تعلق و روابط متقابل عاطفی نقش کاتالیزور در توانمندسازی فردی را دارد. این توانمندی که همبستگی اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد، دگرگونی و تغییر اجتماعی را میسر می‌سازد (Goodman et al, 2007). در مجموع مقایسه نتایج تحقیق در مورد حمایت اجتماعی، حاکی از آن است که مولفه‌های حمایت اجتماعی در جهت توانمندی زنان عمل می‌کنند.

منابع

۱. پیرسون، کریستوفر (۱۳۸۴) معنای مدرنیت، گفتگوی کریستوفر پیرسون با آنتونی گیدنز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات کویر

۲. جلیبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی نشرنی. تهران، چاپ چهارم.
۳. خسروی، زهره، ناهیدپور، فرزانه (۱۳۹۱) بررسی رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا حمایت های اجتماعی در دانشجویان ایرانی و هندی، فصلنامه جامعه شناسی زنان، سال سوم، شماره دوم
۴. دیمتو، م. ر. (۱۳۷۸). روانشناسی سلامت، ترجمه م. کاویانی، م. عباسپور، ح. محمدی، غ. تقی زاده، و و کیمیا، تهران: انتشارات سمت
۵. رحیمیان بوگر، اسحق، مهاجری، محمدرضا، بشارت، محمدعلی، طالع پسند، سیاوش (۱۳۹۰) تعیین کننده های روان شناختی، اجتماعی و ساختاری خودمدیریتی دیابت مجله غدد درون ریز و متابولیسم ایران، شماره ۵۹، دی ۱۳۹۰ ص ۴۶۷
۶. زکی محمدعلی، (۱۳۸۹) سازگاری جوانان با دانشگاه و رابطه آن با حمایت اجتماعی؛ بررسی موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان، دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۴، بهار و تابستان، ص ۱۰۷
۷. ستوده ناورودی، سید امید، زینعلی، شینا، و خستگان، نوشین (۱۳۹۱) رابطه بین همسر آزاری، حمایت اجتماعی و استرس ادراک شده در زنان دارای همسران معتاد و غیر معتاد شهر رشت، مجله پرستاری و مامایی جامع نگر، شماره ۶۸، پاییز و زمستان ۱۳۱ ص ۲۵
۸. سلحشوری، پروانه و قریب، مینا (۱۳۹۰) بررسی کمی اطلاعات علمی پیرامون آسیب شناسی خانواده در ایران، همایش آسیب شناسی خانواده، تبریز
۹. سن، آمارتیا (۱۳۸۵) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
۱۰. شهبازی، حسن (۱۳۸۳) مشارکت، راهکار اصلی توانمندسازی زنان، مجله تعاون، دوره جدید، شماره ۱۵۴، ص ۸۴
۱۱. صدقپور، صالح، بهرام، اسدی، مسعود و میر نادر میری (۱۳۸۹) رابطه نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری آموزشی، اجتماعی و عاطفی دانش آموزان، مجله روانشناسی ۵۶، سال چهاردهم، شماره ۴
۱۲. علی پور احمد (۱۳۸۵) ارتباط حمایت اجتماعی با شاخص های ایمنی بدن در افراد سالم: بررسی مدل تاثیر کلی مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران اندیشه و رفتار))؛ ۱۲ (۲) (پیاپی ۴۵): ۱۳۴-۱۳۹.
۱۳. قاضی نژاد، مریم، عباسیان، ماریا (۱۳۹۰) مطالعه کیفی عوامل اجتماعی همسرکشی، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۲، ص ۱۱۶-۸۱
۱۴. کرایب یان (۱۳۸۸)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر آگه
۱۵. کلاتری فمی، خلیل، شعبانعلی، حسین، سروش مهر، هما (۱۳۸۹) بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهر همدان)، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۲
۱۶. کوهن، ایراجی (۱۳۷۹) آنتونی گیدنز در متفکران بزرگ جامعه شناسی، ویراسته راب استونز، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز
۱۷. کیمیائی، سید علی (۱۳۹۰) شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰
۱۸. گروسی، سعیده، آدینه نژاد، راحله (۱۳۸۹) بررسی رابطه عوامل اجتماعی با تعارض نقشهای خانوادگی و شغلی در بین زنان شهر کرمان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۳۵، ص ۱۲۱-۱۳۹
۱۹. لانگه، سارا (۱۳۷۲) معیارهایی برای تواناسازی زنان، تهران: روشنگران..
۲۰. مازلو، آبراهام اچ. (۱۳۶۷)، انگیزش و شخصیت، ترجمه: احمد رضوانی، آستان قدس رضوی، چاپ اول.

۲۱. نبوی، سید عبدالحسین و شهریار مرزیه (۱۳۹۱) بررسی تاثیر محرک های تنش زا و حمایت اجتماعی در خانواده بر تعارض خانواده با کار (مورد مطالعه: زنان شاغل ادارات دولتی شهر اهواز) مجله جامعه شناسی ایران صص ۳۱-۵۷.

22 Giddens, A, (1984) the Constitution of Society, London, Polity.

23 Clegg, S.R... . (1989) Frameworks of Power. London: Sage Publications.

24 Decker, C. L. (2007). Social support and adolescent cancer survivor: A review of the literature. *Psycho Oncology*, 16, 1-11

25 Goodman, L, A. Bohlig, A. Litwin, S. R. Weintraub, A., Green, J., Walker, L., White, & N., Ryan (2007). Applying Feminist Theory To Community Practice: A Multilevel Empowerment Intervention For Low-Income Women With Depression reachingoutaboutdepression.org,

26 Kabeer, Naila (2000) 'Reflections on the Measurement of Women's Empowerment.' In: *Discussing Women's Empowerment: Theory and Practice*. SIDA: Swedish International Development Cooperation Agency.

27 Malhotra, A., Schuler, S.R. & Boender, C. (2002). Measuring women's empowerment as a variable in international development. Background paper prepared for the World Bank workshop on poverty and gender. Washington, D.C.: International Center for Research on Women.

28 Sarason, Barbara R.; Pierce, Gregory R.; Bannerman, Ann; Sarason, Irwin G (1993). Investigating the antecedents of perceived social support: Parents' views of and behavior toward their children. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol 65(5), Nov 1993, 1071-1085

29 Sarason, I.G., Levine, H.M., Basham, R.B., and Sarason, B.R. (1983). Assessing social support: The social support questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology* , 44, 127-39

30 Turner, Jonathan H.(2003) *The Structure of Sociological Theory*, United States, Wadsworth

31 Ugbomeh, M. M. George (2001). Women Empowerment in Agricultural Education, for Sustainable Rural Development, Oxford University Press and Community Development Journal, Vol. 36, No. 4, pp: 289-302

